

Original Article

Environmental Investment and the Sustainable Development in the Light of Intergenerational Justice

Mona Samandi Janian¹, Mansour Atashneh^{2*}, Mohammad Sadeghi³

1. Department of Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

2. Department of Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran; Assistant Professor, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. (Corresponding Author) Email: Matash1338@yahoo.com

3. Department of Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran; Assistant Professor, Hormoz Studies and Research Center (Hormoz Research Institute) Hormozgan, Iran.

Received: 8 May 2021 Accepted: 28 Aug 2021

Abstract

Background and Aim: Sustainable development is a universal demand for fundamental and positive change in human life, and on the other hand, the principle of freedom in the exploitation and permanent sovereignty of governments over their natural resources is respected as a legally binding principle; but the desire to exploit these resources and accelerate development has created a deep gap between the interests of the present generation and the next generation, which has raised the issue of justice beyond the present generation.

Materials and Methods: This research is theoretical in sort of type and the method is descriptive-analytical. The method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In this research, Principles related to research ethics and especially fidelity has observed in citing the sources and references of the article.

Findings: Research findings show that intergenerational justice requires that development should not be at the expense of future resources and a balance between intergenerational interests should be considered. In this regard, the model of sustainable development in order to distribute intergenerational resources in the literature of law and politics writers has been proposed as a desirable model.

Conclusion: Trade agreements in general can improve the harmonization of environmental standards and drive policies towards environmental subsidies and environmental trade and financial standards. Although the multilateral trade system encourages the use of international standards and enables higher levels of environmental protection, it should be noted that further liberalization and competition, do not degrade environmental standards.

Keywords: Investment; The Right to Development; International Human Rights; The Environment; Intergenerational Justice

Please cite this article as: Samandi Janian M, Atashneh M, Sadeghi M. Environmental Investment and the Sustainable Development in the Light of Intergenerational Justice. *Bioethics Journal*, Special Issue on Ethical & Legal Reflections 2021; 117-135.

مقاله پژوهشی

سرمایه‌گذاری محیط زیستی و توسعه پایدار در پرتو عدالت بین نسلی

مونا سمندی جانیان^۱، منصور عطاشنه^{۲*}، محمد صادقی^۳

۱. گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران؛ استادیار، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Matash1338@yahoo.com

۳. گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران؛ استادیار، مرکز مطالعات و تحقیقات هرمز (پژوهشکده هرمز)، هرمزگان، ایران.

دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۸ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۶

چکیده

زمینه و هدف: توسعه پایدار، مطالبه‌ای جهان‌شمول جهت تغییر اساسی و مثبت در حیات بشر است و از سویی اصل آزادی در بهره‌برداری و حاکمیت دائمی دولت‌ها بر منابع طبیعی‌شان به عنوان یک اصل حقوقی لازم‌الاجرا محترم شمرده می‌شود، اما تمایل به بهره‌برداری از این منابع و توسعه شتابان، شکافی عمیق میان منافع نسل حاضر بشر و نسل آتی ایجاد کرده است که موضوع عدالت را فرای نسل حاضر کرده است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از حیث نوع، نظری است و روش آن به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد. همچنین، روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است که با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در این تحقیق، اصول مربوطه به اخلاق در پژوهش و به ویژه امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله، رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، عدالت بین نسلی ایجاب می‌کند که توسعه نباید از حساب منابع آیندگان باشد و لازم است توازن و تعادلی میان منافع بین نسلی لحاظ شود. در همین راستا، الگوی توسعه پایدار در جهت توزیع منابع بین نسلی در ادبیات نویسندگان حقوق و سیاست به عنوان یک الگوی مطلوب مطرح شده است.

نتیجه‌گیری: موافقت‌نامه‌های تجاری به طور کلی می‌توانند هماهنگی استانداردهای زیست‌محیطی را ارتقا دهند و سیاست‌ها را به سوی یارانه‌های زیست‌محیطی و معیارهای تجاری و مالی مربوط به محیط زیست سوق دهند. به رغم اینکه سیستم تجارت چندجانبه استفاده از استانداردهای بین‌المللی را تشویق می‌کند و سطوح بالاتری از حفظ محیط زیست را امکان‌پذیر می‌سازد، باید در نظر داشت که آزادسازی و رقابت بیشتر، استانداردهای زیست‌محیطی را تنزل ندهد.

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری؛ حق بر توسعه؛ حقوق بشر بین‌المللی؛ محیط زیست؛ عدالت بین نسلی

۱. مقدمه

عدالت مفهومی متنازع در حیات اجتماعی بشر بوده است. در متون کلاسیک حقوقی و سیاسی بیشتر مباحث بر مقوله درون نسلی عدالت متمرکز بوده است و تئوری‌پردازان کلاسیک عدالت کمتر توجهی به نسل‌های آینده داشته‌اند، اما در دوران معاصر John Rawls، نظریه‌پرداز آمریکایی در اثر معروف خویش با نام عدالت به مثابه انصاف با احیای قراردادگرایی کانت سعی بر تبیین مفهوم عدالت به عنوان مفهومی مورد اجماع و توافق نسل‌های مختلف دارد. وی وضعیتی فرضی را در حصول اجماعی همپوشان در پس پرده بی‌خبری در توزیع ثروت و منابع ترسیم می‌کند و از این طریق به دنبال دو اصل آزادی و تفاوت به عنوان اصول بنیادین عدالت است (۱)، اما بسط و توسعه عدالت توزیعی راولز به عدالت بین نسلی بسیار دشوار است، لیکن می‌تواند نقطه عزیمتی برای آن باشد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تحقق عدالت بین نسلی سرمایه‌گذاری در راستای توسعه است. توسعه پایدار در شفاف‌ترین تعریف «توسعه بی‌زیان» نامیده می‌شود که منظور از آن پذیراشدن تحول در همه ابعاد مادی حیات اجتماعی و محیط ناظر بر آن در سطح و حدی است که اساس زندگی بشر امروز و فردا دچار بحران کاستی نگردد.

در این پژوهش سعی گردیده تا ابعاد مختلف سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه پایدار و مسایل زیست‌محیطی در کشور میزبان مورد بررسی قرار گرفته و الگویی مطلوب برای تحقق عدالت بین نسلی ارائه شود. رویکرد توسعه پایدار به عنوان راه حلی برای معمای توسعه در شرایط متحول سال‌های پایانی قرن بیستم مفهومی چندبعدی است که علاوه بر کاهش فقر، اشتغال، گسترش رفاه مادی، آموزش و پرورش، اخلاق، حکمرانی مطلوب، اراده الگوهای مصرف بهینه، گسترش خدمات بهداشتی، توجهی ویژه به حفاظت از محیط زیست و کاستن از مواد آلاینده اکوسیستم دارد. حق توسعه حقی جهانی و انکارناپذیر و از سایر حقوق، جدانشدنی است.

امروزه حتی کشورهایی که از نظر احترام و رعایت موازین حقوق بشری چندان سابقه روشنی ندارند، همواره به گونه‌ای عمل می‌کنند که خود را در مظان اتهام قرار ندهند تا مجبور

نباشند در مقابل جامعه بین‌المللی و نهادهای وابسته‌اش پاسخگو باشند.

امروزه، دو مسأله اقتصاد و محیط زیست از دو جهت با شدت بیشتری به یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند. جهت اول ارتباط محیط زیست با اقتصاد به سبب حرکت منابع تجدیدناپذیر و تمام‌نشدنی به سمت اقتصاد و جهت دوم ارتباط اقتصاد با محیط زیست به سبب زباله‌های حاصل از فعالیت‌های اقتصادی به سمت محیط زیست می‌باشد. در نتیجه افزایش بی‌رویه و خارج از ظرفیت جریان مواد و ضایعات در محیط، ظرفیت منابع طبیعی محیط زیست کاهش پیدا می‌کند. در صورت استفاده بی‌رویه از منابع تمام‌شدنی در زمینه تجارت، با خطر تمام‌شدن زودهنگام این منابع مواجه می‌شویم. همچنین با انتشار بیش از حد و مازاد بر ظرفیت زباله‌ها و پسماندها در طبیعت، روند فرسایش و از بین رفتن محیط زیست و منابع طبیعی را به صورت چشم‌گیری افزایش می‌دهیم. در نتیجه کم‌شدن منابع تمام‌شدنی، استفاده از منابع تجدیدپذیر و تمام‌نشدنی افزایش پیدا می‌کند که در این صورت موجب افزایش انتشار زباله و پسماندها مازاد بر ظرفیت محیط زیست خواهد شد. بخش بزرگ پیوستگی‌های پیچیده اقتصادی و فیزیکی که تجارت و توسعه پایدار را به هم مرتبط می‌سازند را تأثیرات تجارت و محیط زیست و توسعه بر یکدیگر تشکیل می‌دهند.

پرسش اصلی این مقاله پیرامون الگویی متناسب با توسعه پایدار در جوامع است که به تحقق عدالت بین نسلی منجر شود. در این راستا سرمایه‌گذاری محیط زیستی فرضیه اصلی تحقیق حاضر به شمار می‌رود. این مقاله در چند بخش تنظیم شده است. پس از مباحث مقدماتی، به تبیین ضرورت سرمایه‌گذاری خارجی در دوران جهانی‌سازی پرداخته می‌شود. سپس به نقش شرکت‌های چندملیتی در سرمایه‌گذاری خارجی اشاره می‌گردد. نظرات پیوستگی تجارت بین‌الملل و حفظ حقوق محیط زیست، قسمت دیگر این مقاله را تشکیل می‌دهد و قسمت آخر به معرفی الگویی مطلوب برای سرمایه‌گذاری محیط زیستی و توسعه پایدار در راستای تحقق

عدالت بین نسلی اختصاص دارد و در نهایت، نتایج مقاله ارائه شده است.

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توانیم به کتاب «انصاف میان نسلی: نگرانی‌های زیست محیطی و فرهنگی» نوشته توماس کاتیر و همکاران به زبان انگلیسی که در سال ۲۰۱۹ توسط انتشارات بریل به چاپ رسیده است، اشاره کنیم. در این کتاب، نویسندگان به تفکیک میان دو مفهوم «عدالت میان نسلی» و «انصاف میان نسلی» پرداخته‌اند و با در نظر گرفتن چالش‌ها و نگرانی‌های موجود به این نتیجه رسیده‌اند که باید مفهوم «انصاف میان نسلی» در فرآیند قانونگذاری و سیاستگذاری مد نظر قرار گیرد.

همچنین مقاله «جایگاه تعهدات زیست محیطی در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری» نوشته سیدياسر ضیایی در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است. از نظر نویسنده، روابط حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری حقوق بین‌الملل محیط زیست، یک رابطه تعارض در اهداف، اما تلاقی در عمل است. هدف یکی منفعت اقتصادی شخصی و هدف دیگری، منافع بشری جمعی، اما قلمرو اجرای هر دو حقوق مربوط به یک محیط است (۲).

در مقاله «دستیابی به توسعه پایدار از منظر حقوق بین‌الملل محیط زیست» نوشته فرهاد دبیری و همکاران که در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است؛ از نظر نویسندگان، هرچند انسان سالیان متمادی از طبیعت به عنوان ابزار و بستر توسعه استفاده کرده، اما توسعه افسارگسیخته پس از انقلاب صنعتی چنان آثار مخربی بر کره زمین باقی گذاشته که نه تنها انتخاب همان روش‌ها از سوی کشورهای فقیر برای توسعه به دلیل پایین آمدن ظرفیت‌های منابع طبیعی ناممکن است، بلکه در شرایط امروز، خودخواهانه می‌نماید. از این رو چند دهه‌ای است که «توسعه پایدار» به عنوان یک راه حل ارائه شده است. از سویی، حقوق محیط زیست ابزار مهمی برای نظارت و مدیریت توسعه پایدار است. این حقوق در تعیین خط مشی‌های حفاظتی محیط زیست و همچنین استفاده معقولانه و پایدار از منابع طبیعی مؤثر است. بیانیه‌های استکهلم ۱۹۷۲، ريو ۱۹۹۲، ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ و ريو + ۲۰، دستیابی به توسعه پایدار را مستلزم حفاظت از محیط زیست عنوان نموده و

خواستار جهت‌گیری حقوق بین‌الملل محیط زیست در راستای مفهوم توسعه پایدار گردیده است، اما عملاً مشاهده می‌شود که توسعه پایدار با چالش‌هایی در سطح جهانی مواجه است که یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها تقابل میان توسعه و محیط زیست در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است. یکی از مهم‌ترین منابع مورد اتکا برای مقابله با این خطرات و تنظیم رفتار تابعان حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل محیط زیست است. در این مقاله نویسندگان تلاش داشته‌اند که دستیابی به توسعه پایدار را با پرداختن به اسناد الزام‌آور و غیر الزام‌آور در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست مورد بررسی قرار دهند (۳).

ملاحظه پیشینه تحقیقات انجام شده در حوزه مورد بررسی نشان می‌دهد، پژوهش‌های موجود غالباً با رویکردی به تعهدات حقوقی دولت‌ها نگاشته شده‌اند، اما در پژوهش حاضر تمرکز اصلی بر الگوی توسعه پایدار در جهت توزیع منابع بین نسلی با محوریت عدالت، می‌باشد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمامی مراحل نگارش پژوهش حاضر، اصول اخلاقی با عنایت به ماهیت تحقیق که اسنادی (کتابخانه‌ای) است، مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده، روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اصل توسعه پایدار محل تلاقی ایجاد توازن میان مولفه‌های مختلف منافع اقتصادی، ضرورت‌های زیست محیطی و حفظ حقوق نسل‌های

آینده به شمار می‌آید و بر این اساس مورد اجماع جهانی و وفاق بین‌المللی از سوی کشورها و نهادهای ذیربط قرار گرفته است. پیش‌بینی یک نظام تجاری باز و چندجانبه در کنار کاربست الزامات زیست‌محیطی، بازتابی مثبت و موثر در حوزه محیط زیست و منافع اقتصادی کشورها دارد که آن را به نقطه توسعه‌ی پایدار می‌رساند. پایداری در حوزه توسعه عمیقاً بر درک منافع نسل‌های آتی و استقرار سازوکار تحقق عدالت بین‌نسلی در فرایندی متعادل و متوازن از بهره‌وری اقتصادی و سودجویی از محیط زیست، دلالت دارد. در مسیر جهانی‌شدن در صورتی که تمرکز اصلی بر رقابت و افزایش بهره اقتصادی قرار گیرد، روند اضمحلال داشته‌های زیست‌محیطی و تخریب مصیبت‌زای فعلی در استثمار طبیعت و محیط زیست ادامه می‌یابد، فردایی برای نسل‌های آتی و تداوم متناسب فعالیت‌های اقتصادی و تجاری متصور نخواهد بود. لذا برای ادامه حیات اقتصادی، محافظت از محیط زیست و تضمین حقوق و عدالت بین‌نسلی، ضرورت توجه به قوانین و مقررات تجاری در خصوص حراست از محیط زیست در راستای تحقق توسعه پایدار شدیداً احساس می‌شود. در عصر حاضر عوامل مختلف جهانی‌شدن، حقوق تجارت بین‌المللی و حقوق محیط زیست بر یکدیگر تأثیرات متقابلی دارند که می‌توان از این ظرفیت برای تحقق عملی توسعه پایدار در فرایند روابط تجاری در عرصه بین‌المللی بهره جست. توافقات چندجانبه محیط زیستی به صورت مستقل یا در چارچوب قراردادهای تجاری، راه‌کار بسیار مناسبی برای رفع تعارض‌های بالقوه میان فعالیت‌های تجاری و محیط زیست می‌باشد. بسط مذاکرات در سطوح ملی و بین‌المللی، تقویت رویکردهای داخلی را نیز برای حراست از محیط زیست به دنبال دارند و همچنین الزاماتی را که کنشگران مختلف از جمله صادرکنندگان برای کمک به آن اهداف لازم است در نظر گیرند، تبیین می‌نمایند.

۵. بحث

۵-۱. جهانی‌شدن و ضرورت سرمایه‌گذاری خارجی:

سال‌ها در سایه افکار و مکاتبی چون رئالیسم و مارکسیسم نگرشی چون اقتصاد سیاسی، شکل‌دهنده رفتار حاکمیت‌ها بر

همه امور چه در شکل امپراطوری و چه در شکل دولت بوده است. حاکمیت‌ها با این طرز تفکر در واقع به دنبال داشتن احاطه همه‌جانبه و کنترل بر موضوع اقتصاد بوده‌اند. در این میان متفکران مکتب رئالیسم همچون Niccolò Machiavelli، Baruch Spinoza و Thomas Hobbes بر این باور بودند که تا جایی حق داری که قدرت داری و به عقیده Baruch Spinoza حق هر انسانی را قدرتش تعیین می‌کند (۴)، اما این نگرش دوامی نیافت و با بسط دیدگاه لیبرالیسم اقتصادی متفکرانی چون آدام اسمیت و به دنبال آن ظهور مفهومی به نام جهانی‌شدن که تجلی آن را برای اولین بار در امر اقتصاد می‌توان دید، گامی در جهت تعدیل نگرش مبتنی بر اقتصاد سیاسی برداشته شد. در پرتو رشد دموکراسی، کنترل بر حوزه‌های اقتصاد در حقیقت به معنای مخدوش کردن آزادی افراد بود و این کنترل نتیجه‌ای جز دیکتاتوری اقتصادی و شکستن ساختار دموکراتیک به همراه نداشت. به عبارت دیگر هیچ سازگاری میان کنترل و دخالت دولت در اقتصاد و مفهوم دموکراسی وجود ندارد و دموکراسی را به قدرت استبدادی تبدیل می‌کند (۵). از این رو تفکر مبتنی بر دخالت دولت در اقتصاد به مرور کاهش یافت و زمینه حضور بخش خصوصی و خصوصاً سرمایه‌گذاری خارجی به مرور گسترش یافت.

طرفداران جهانی‌شدن بر این امر تأکید دارند که فقر مطلق در سراسر جهان تاکنون، از دو دهه گذشته کاهش چشم‌گیری یافته است (۶). بنابراین همواره جهانی‌شدن در بعد اقتصادی با آزادسازی تجارت رابطه دارد. دیدگاهی که همه کشورها حتی چین را تحت تأثیر خود قرار داد و تغییر شیوه و اتخاذ این سیاست، دگرگونی شگرفی در تجارت و اقتصاد این کشورها پدید آورد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که جهانی‌شدن اقتصاد، افزایش آزادسازی تجارت در حوزه اقتصاد را هدایت می‌کند (۷). بدیهی است که هر قدر این معیارها رشد بهتری داشته باشد، شرایط پذیرش و بستر توسعه‌ای آن در پرتو جهانی‌شدن در کشور مربوطه بهتر است (۸). آنچه مسلم است این است که جهانی‌شدن اقتصاد مستلزم وجود رقابت در بازارهاست، رقابتی که بخش خصوصی را در کشورهای رو به رشد به فعالیت در زمینه «تحقیق و توسعه» وامی‌دارد.

همچنین امکان مشارکت‌های علمی و نقل و انتقال تکنولوژی را پدید می‌آورد (۹).

البته این باور میان طرفداران جهانی‌شدن اقتصاد مشترک است که رقابت برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بین کشورها، خصوصاً کشورهای در حال توسعه به سمت آزادسازی قوانین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پیش می‌رود (۱۰). سرمایه‌گذاری مستقیم مؤثرترین و واقعی‌ترین نوع سرمایه‌گذاری خارجی است که در حقیقت یکی از چرخه‌های اقتصاد جهانی نیز به شمار می‌آید (۱۱). ویژگی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که آن را از روش دیگر متمایز می‌سازد، آن است که در سرمایه‌گذاری مستقیم، سرمایه‌گذار ضمن کنترل سرمایه در اداره آن هم مشارکت دارد (۱۲).

آنچه که در درجه اول بر اقتصاد بازارهای در حال ظهور جاری شد، سرمایه در قالب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بود. این واقعیت ناشی از آن است که در طول سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، یک منبع امن تأمین منابع مالی خارجی و یک عامل ایجاد ثبات در سیستم مالی کشورهای دریافت‌کننده سرمایه، مد نظر بوده است (۱۳). این نوع سرمایه‌گذاری می‌تواند از رهگذر کمک به بهره‌وری بیشتر عوامل تولید، ایجاد تغییر در ترکیب محصولات و صادرات، تحقیق و توسعه، اشتغال و آموزش، تأثیرات مستقیمی از خود به جا گذارد (۱۴). بنابراین می‌توان اذعان داشت که سرمایه‌گذاری خارجی، خصوصاً سرمایه‌گذاری مستقیم، می‌تواند بهترین و موفق‌ترین ابزار برای توسعه و پیشرفت کشورها باشد.

به هر حال آنچه از این منظر حائز اهمیت می‌باشد، این مطلب است که حضور سرمایه‌گذاران خارجی همیشه توأم با منافع بسیاری برای کشور سرمایه‌پذیر بوده است، چراکه هم به رشد اقتصادی کشور کمک نموده و هم منجر به ورود تکنولوژی و فناوری روز به کشور گردیده است (۱۵).

از سوی دیگر، جهانی‌شدن و حقوق تجارت بین‌المللی و حقوق محیط زیست ناگزیر به طور متقابل بر هم تأثیر دارند و در دو سطح ملی و بین‌المللی با هم تلاقی خواهند داشت. در سطح ملی موضوعات مربوط به سیاستگذاری شامل یارانه‌ها، برچسب‌گذاری کالاها از نظر محیط زیست، حقوق مالکیت

فکری، کشاورزی، سرمایه‌گذاری و خریدهای دولتی، منظور می‌شود و استانداردهای ملی محیط زیستی (مربوط به سه موضوع تبعیض پیرامون فرایندها و روش‌های تولید، پیامد رقابتی استانداردهای مختلف بین کشورها و سیاستگذاری در شرایط و اوضاع و احوال نامشخص و نامطمئن) مورد توجه قرار خواهند گرفت. در سطح بین‌المللی نیز پیوستگی سیستم تجارت چندجانبه با رژیم‌های چندجانبه محیط زیست مطرح است. برای مثال مقررات ملی محیط زیستی مربوط به فرایندها و روش‌های تولید کارخانجات حاکی از این هستند که آنان چقدر آلودگی می‌توانند تولید نمایند (۱۶). برای مثال پروتکل مونترال در مورد مواد از بین‌برنده لایه اوزون ۱۹۸۷ به طور مستقیم تجارت را در بعضی انواع خاص کالاها محدود نموده است و همچنین بر مراحل تولیدی که از موارد از بین‌برنده لایه اوزون استفاده می‌کنند، تغییراتی را تحمیل کرده و در واقع کالاهایی که به روش سنتی تولید می‌شوند را از چرخه تجارت مزبور خارج نموده است (۱۷).

مورد بعدی در سطح بین‌المللی، عبارت است از پیوستگی حقوقی و سیاست گذاری بین مجموعه مقررات مندرج در قراردادهای چندجانبه محیط زیستی و قراردادهای تجارت و سرمایه‌گذاری؛ از حدود ۲۰۰ قرارداد چندجانبه زیست‌محیطی موجود، حدود ۲۰ قرارداد برای تسهیل تأمین اهداف موردنظر مقررات مربوطه تجاری را در خود گنجانده‌اند و مقررات مربوطه تجاری این قراردادها بخش لاینفک موضوعات مختلفی که مذاکره‌کنندگان در بررسی موضوعات محیط زیستی جهانی آن‌ها را بررسی کرده‌اند، می‌باشند. مقاوله‌نامه سایتس که تجارت گونه‌های جانداران در حال انقراض را کنترل می‌کند و مقاوله‌نامه بازل که تجارت زباله‌های خطرناک را کنترل می‌نماید دو نمونه از این توافقات می‌باشند. قوانین رفع موانع تجارت از راه‌های زیر بر محیط زیست تأثیر می‌گذارند:

- خط مشی‌ها، الزامات و استانداردهای اصلاح‌شده زیست‌محیطی که در پاسخ به رشد اقتصادی حاصل از تجارت پیشرفته به وجود آمده‌اند. در این خصوص تحقیقات بانک جهانی بر مبنای داده‌های جمع‌آوری‌شده از ۱۴۵ کشور نشان

می‌دهد که بین رشد اقتصادی، آیین‌نامه‌های زیست‌محیطی و حقوق مالکیت معنوی رابطه مثبتی وجود دارد.

- معیارهای زیست‌محیطی که طی توافق‌های تجاری شکل گرفتند؛ در این خصوص موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) تشریح می‌کند که چگونه رفع موانع تجارت می‌تواند موجب بهبود و تشدید قوانین زیست محیطی گردد.

- سست شدن خط مشی‌های موجود زیست‌محیطی به واسطه فشارها و محدودیت‌هایی که از جانب موافقت‌نامه‌های تجاری اعمال می‌شود. در این رابطه، موافقت‌نامه‌های تجاری به طور کلی می‌توانند هماهنگی استانداردهای زیست محیطی را ارتقا دهند و سیاست‌ها را به سوی یارانه‌های زیست‌محیطی و معیارهای تجاری و مالی مربوط به محیط زیست سوق دهند (۱۸).

۵-۲. جایگاه شرکت‌های چندملیتی در توسعه پایدار

کشورها: همانطور که گفته شد، مهم‌ترین نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را می‌توان ورود سرمایه، مهارت و فناوری به کشورهای میزبان دانست. این امر نه‌تنها در مورد بخش‌های امروزی اقتصاد مانند بحث فناوری اطلاعات، بلکه در بخش‌های پیشین مانند خدمات زیرساختی و گردشگری حائز توجه است. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند کشورهای در حال توسعه را به زنجیره اقتصاد و تجارت جهانی در بخش‌های گوناگون وصل نماید. چنین زنجیره‌ای عملاً به کشورها امکان ورود و اثربخشی در بازارهای رقابتی بین‌المللی را می‌دهد (۱۹). در واقع علاوه بر اینکه سرمایه‌گذاری خارجی موجب رشد اقتصادی و در نتیجه رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم می‌شود، به گونه‌ای در ایجاد آرامش و ثبات کشور میزبان نیز مؤثر است، چراکه ذی‌نفع‌بودن شرکت‌های خصوصی یا دولتی خارجی در ایجاد امنیت و ثبات حوزه سرمایه‌گذاری‌شان موجب می‌گردد که در حل بحران‌ها و برقراری امنیت برای ثبات دخالت مستقیم و یا غیر مستقیم نمایند (۲۰).

با توسعه مراودات بین‌المللی، سرمایه‌گذاری نیز از حدود و ثغور مرزهای سیاسی خارج شده و جنبه بین‌المللی به خود گرفته است. شرکت‌های فراملیتی، شرکت‌هایی هستند که

تولید و فعالیت‌های مربوط به آن را در بیش از یک کشور سازماندهی و کنترل می‌کنند، البته این شرکت‌ها، شرکت‌هایی نیستند که صرفاً در خارج از کشور خود سرمایه‌گذاری می‌کنند. امروزه میلیون‌ها شرکت کوچک‌تر در چندین نقطه جهان به فعالیت مشغولند، اما آنچه شرکت‌های فراملیتی را در اقتصاد جهانی مهم جلوه می‌دهد، اندازه، دامنه فعالیت، قدرت اقتصادی و تأثیرات سیاسی آن‌هاست (۲۱). اهمیت شرکت‌های فراملیتی به واسطه سرمایه‌گذاری آن‌ها به صورت سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای مختلف جهان است، اما آنچه در این قسمت مورد توجه قرار گرفته، این است که جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی تنها بخشی از تأمین مالی توسط شرکت‌های مرتبط در کشور میزبان است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یک روش داخلی در سیستم شرکت‌های فراملیتی برای تأمین مالی است که معمولاً از شرکت مادر یا درآمدهای به دست‌آمده ناشی می‌شود، اما شرکت‌های مرتبط از منابع خارجی (خارج از سیستم خود) مانند بازار سرمایه کشور میزبان یا بازار سرمایه بین‌المللی نیز استفاده می‌کنند. شرکت‌های فراملیتی به عنوان منابع سرمایه، فناوری و سازمان‌دهنده فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نقش مهمی را در ایجاد فرصت‌های اشتغال و افزایش کیفیت آن به عهده دارند. به همین جهت شرکت‌های مزبور مورد حمایت قانونگذار داخلی قرار می‌گیرند (۲۲).

برای مثال بارزترین حقوقی که در این زمینه مطمح نظر قانونگذار داخلی قرار گرفته است، بر اساس قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱ می‌باشد. شمول این قانون به سراسر قلمرو جمهوری اسلامی ایران تسری دارد و کلیه سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند بر اساس این قانون در کشور سرمایه‌گذاری نموده و از مزایای آن برخوردار شوند. این موارد، عبارتند از: انتقال سود و سرمایه و منافع آن به ارز خارجی، دریافت خسارت ناشی از سلب مالکیت و ملی‌شدن سرمایه خارجی، دریافت خسارت ناشی از وضع قوانین یا مصوبات دولت که موجب ممنوعیت یا توقف اجرای

قراردادهای مالی سرمایه‌گذاری خارجی گردد، برخورداری از رفتار یکسان و برابر نسبت به سرمایه‌گذاران داخلی (۲۳).

۵-۳. سرمایه‌گذاری خارجی در کشور میزبان:

سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت کمابیش منجر به تولید و صادرات کالا می‌گردند، اما توجه به مدیریت، فناوری مهارت و عهده‌دار شدن امور بازرگانی خارجی نیز در این زمینه ضروری است. سرمایه‌گذاری خارجی به سرمایه‌گذاری مالی محدود نمی‌گردد و همگام با آن عوامل و عناصری به وجود آمده که با توجه به شرایط اقتصاد جهانی برای کشورهای در حال توسعه اهمیت ویژه‌ای دارد. کشورهای در حال توسعه در این زمینه تجربه لازم را نداشته و به همین دلیل سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند دگرگونی شگرفی در راه پیشبرد اقتصاد کشورهای در حال توسعه به وجود آورد. در سرمایه‌گذاری خارجی آموزش و یادگیری باید مورد توجه قرار گیرد. فناوری تولید، ماشین‌آلات و وسایل مدرن از دستاوردهای سرمایه‌گذاری خارجی است که موجب انتقال تکنولوژی، تجربه و مهارت به کشورهای در حال توسعه می‌گردد و با توجه به پیشرفت سریع تحولات تکنولوژی در اقتصاد امروزی، بدون به کارگیری دانش و تجارب کشورهای صنعتی پیشرفته و همکاری با آنان نمی‌توان موجب انتقال این دانش و تکنولوژی به کشورهای در حال توسعه گردید (۲۴).

۵-۴. نظریه‌های پیوستگی تجارت بین‌الملل و محیط

زیست: این بخش به تبیین نظریه‌های سنتی و نوین در مورد پیوستگی حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق بین‌الملل محیط زیست اختصاص می‌یابد. نظریه نخست به طرفداران سنت‌گرایی اختصاص دارد و نظریه دوم در تقابل با سنت‌گرایی است که حاوی اندیشه‌های نوین در خصوص پیوستگی حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق محیط زیست است.

۵-۴-۱. نظریه سنتی‌گراها: آغاز موج توجه عمومی به

مسائل زیست محیطی در دهه ۱۹۶۰ به وقوع پیوست و تمرکز عمده این توجهات روی آلودگی‌های صنعتی به واسطه رشد روزافزون اقتصادهای صنعتی بود (۲۵). مسائل ناظر بر تجارت و محیط زیست خصلت چندبعدی و پیچیده‌ای دارند. مسائل زیست‌محیطی استفاده از منابع طبیعی یک کشور مثل

مدیریت منابع آسیب‌پذیر در جهت حراست از محیط زیست بر هزینه‌های تولید، الگوی تجارت، مکان‌یابی فعالیت‌های صنعتی و سرانجام منافع حاصل از تجارت اثرگذار خواهند بود (۲۶). در اواخر دهه ۷۰ طرفداران محیط زیست در مورد اثرات مخرب ناشی از توسعه تجارت آزاد بر محیط زیست هشدار دادند؛ چه این که گسترش فعالیت‌های اقتصادی (خصوصاً فعالیت‌های آلاینده) و استفاده بی‌رویه از منابع و انرژی به صورت نامناسب و در سطح گسترده انجام می‌گیرد. طرفداران محیط زیست بیان نمودند که توسعه تجارت آزاد و افزایش رقابت بین مؤسسات داخلی و خارجی بر سیاست‌های زیست‌محیطی اثر گذاشته و منجر به تأخیر در تصویب و اجرای قوانین زیست‌محیطی ملی در مقابله با روند رفع موانع تجاری می‌گردد (۲۷). یک تئوری بیان می‌دارد که افزایش رفع موانع تجارت اثرات زیان‌بار بر شرایط محیط زیست خواهد گذاشت. اولین نگرانی طرفداران این تئوری این است که تجارت آزاد در شرایطی که کشورها برای کاستن از هزینه‌های مقررات زیست‌محیطی اقدام به مقررات‌زدایی رقابتی می‌کنند، ممکن است موجب افت کلی استانداردهای زیست‌محیطی بین‌المللی شود. در این شرایط مقررات زیست محیطی کمتر سخت‌گیرانه در یک کشور هزینه نسبی تولید را در بین سایر شرکای تجاری مختل کرده و در تولید کالاهای آلاینده مزیت نسبی ایجاد می‌کند که خود می‌تواند منجر به تخصص در صادرات آن کالاها شود. با استفاده از تئوری مزیت نسبی می‌توانیم برخی از سود و زیان‌های مربوط به پیامد زیست‌محیطی تجارت بین‌المللی را تحلیل کنیم، چراکه این تئوری نشان می‌دهد که دو طرف تجارت‌کننده با تجارت کالاهایی که در آن تخصص دارند، سود می‌برند، اما این تئوری پایه نتایج و پیامد خارجی زیست‌محیطی مربوط به تولید و مصرف این کالاها را در نظر نمی‌گیرد. یکی دیگر از نگرانی‌ها، انتقال صنایع ناپاک (آلاینده) به کشورهایی است که سیاست‌های زیست‌محیطی در آن‌ها سهل‌گیرانه هستند (۲۸).

از طرف دیگر، رویکرد برخورد خوش‌بینانه در پیوستگی بین تجارت و محیط زیست معتقد است که افزایش تجارت، کیفیت محیط زیست را در کشورهای در حال توسعه ارتقا

می‌بخشد. طرفداران این تئوری معتقد هستند که تجارت آزاد از طریق تخصیص و مصرف کارآمدتر منابع به کشورها اجازه می‌دهد در تولید کالا و خدماتی که در آن‌ها دارای مزیت نسبی هستند، تخصص یافته و از این رو میزان تولید را به ازای سطوح مشخص انرژی و مواد حداکثر سازند (۲۷). مطابق این فرضیه در کشورهای مختلف در سطح بالاتر از سطح بحرانی درآمد سرانه، کیفیت زیست‌محیطی افزایش می‌یابد. به عقیده گروهی از متخصصان محیط زیست، بین درآمد سرانه و شاخص‌های تخریب محیط زیست رابطه‌ای وجود دارد که با توجه به منحنی زیست‌محیطی Kuznets Curve می‌توان آن را تحلیل نمود. اینان عقیده دارند که روند صنعتی‌شدن در مراحل اولیه با توجه به تقدم تولید ملی، ایجاد اشتغال و به کارگیری منابع طبیعی و انرژی برای توسعه اقتصادی، موجب افزایش و گسترش آلودگی می‌گردد (۲۵، ۲۹).

۴-۲. نظریه‌های نوین پیوستگی حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق بین‌الملل محیط زیست: امروزه ملت‌ها با پیش فرض‌های فکری و فرهنگی مختلف، تجارت و محیط زیست را بررسی می‌کنند. ملت‌ها موضوع پیوستگی بین حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق بین‌الملل محیط زیست را با یکی از سه تئوری تجاری، زیست‌محیطی و توسعه‌ای ارزیابی می‌کنند (۲۹)، البته این تئوری‌ها یکدیگر را منتفی نمی‌سازند و بسیاری از جوامع تمام آن‌ها را با هم به کار می‌برند. نتیجه این ارزیابی‌ها به اتخاذ سیاست‌های حمایت‌کننده اهداف تجاری، زیست‌محیطی و توسعه‌ای از یکدیگر کمک می‌نماید.

۴-۲-۱. تئوری تجاری: تئوری این گروه در مورد پیوستگی بین تجارت بین‌الملل و محیط زیست به شرح ذیل است: تجارت ثروت ایجاد می‌کند که می‌تواند برای بهبود و رفاه بشر استفاده گردد، اما اکثر دولت‌ها بیش از اندازه از صنایع ملی خود حمایت نموده و تلاش می‌کنند بازارهای داخلی را برای این صنایع حفظ کرده و رقبای خارجی را حذف نمایند. با انجام این کار، دولت‌ها وضعیت شهروندان خود را بدتر می‌کنند، زیرا شرکت‌های داخلی کارایی خود را از دست می‌دهند، مصرف‌کنندگان داخلی کالا را با قیمت گران‌تر می‌خرند و شرکت‌های خارجی کارآمد از صحنه خارج

می‌شوند. بهترین راه ایجاد یک سیستم قوی، متشکل از قواعد و مقررات ضد سیاست‌های حمایتی دولتی می‌باشد، مانند قواعد و مقررات سازمان تجارت جهانی که کشورهای عضو باید آن‌ها را رعایت نمایند. با این حال، حتی بعد از قبول این‌گونه تعهدات کشورها باز هم دنبال راه فرار می‌گردند. یکی از آن‌ها جلوگیری و یا محدودکردن تجارت به بهانه حفظ محیط زیست می‌باشد. تجارت واقعاً می‌تواند برای محیط زیست خوب باشد، زیرا ثروت ایجاد می‌کند که می‌تواند برای بهبود محیط زیست استفاده شود. کارایی تجاری، به معنی استفاده کمتر از منابع طبیعی است؛ همچنین تجارت می‌تواند ابداع فناوری کارآمد و دوستدار محیط زیست را گسترش دهد (۳۰).

۴-۲-۲. تئوری محیط زیستی: تئوری این گروه در مورد پیوستگی بین تجارت بین‌الملل و محیط زیست به شرح ذیل است: سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی ما که خسارات محیط زیست را در قیمت کالاها منعکس نمی‌نمایند، به طور جدی اکوسیستم‌های زمین را تهدید می‌کنند. اکثر دولت‌ها بیش از اندازه از صنایع ملی خود در مقابل تأمین و رعایت استانداردهای محیط زیستی، هزینه می‌نمایند. با رویکرد حمایت بیش از اندازه دولت‌ها در این زمینه، دولت‌ها وضعیت شهروندان خود را بدتر می‌کنند، زیرا شرکت‌های داخلی سود می‌برند، اما مردم هزینه‌های خسارات محیط زیستی آن‌ها را پرداخت می‌نمایند. یک راه اجتناب از این وضعیت ایجاد یک سیستم قوی متشکل از قواعد و مقرراتی است که به طور آشکار مشخص کند از محیط زیست چگونه در سطوح ملی و بین‌المللی حمایت شود، چه این که حتی بعد از تدوین چنین قوانین و مقرراتی نیز دولت‌ها و صنایع تلاش خواهند کرد آن‌ها را بی‌تأثیر نمایند. تجارت بیشتر، یعنی فعالیت اقتصادی بیشتر و در بسیاری موارد خسارات محیط زیستی بیشتر؛ و در واقع، ثروت ایجادشده به وسیله تجارت لزوماً به بهبود محیط زیست منتهی نمی‌شود (۲۹).

۴-۲-۳. تئوری توسعه‌ای: تئوری این گروه در مورد پیوستگی بین تجارت بین‌الملل و محیط زیست به شرح ذیل است: بیش از یک‌پنجم جمعیت دنیا در فقر کامل زندگی می‌کنند که اکثر آن‌ها در کشورهای در حال توسعه هستند و

اختلاف بین کشورهای فقیر و غنی کماکان وسیع‌تر می‌گردد. مهم‌ترین اولویت کشورهای در حال توسعه کاهش فقر و نزدیک کردن فاصله کشورهای فقیر و غنی است. تجارت و سرمایه‌گذاری آزاد می‌تواند کلیدی برای انجام این کار باشد، هرچند که تجارت آزاد و رشد اقتصادی به طور اتوماتیک به هم مرتبط نمی‌باشند. کشورهای غنی صنایع خود را با یارانه، مقررات تجاری خاص و سیستم‌های تعرفه‌ای حمایت می‌کنند که به تولیدکنندگان و صادرکنندگان کشورهای در حال توسعه صدمه می‌زند. بهترین راه حل، ایجاد یک سری قواعد محکم چندجانبه بر علیه چنین رفتاری می‌باشد، اما مقررات فعلی سازمان تجارت جهانی به طور عمیق تحت تأثیر کشورهای تجارت‌کننده مقتدر می‌باشد و آزادکردن تجارت نیز از طرف دیگر در بسیاری موارد به بخش‌ها و صنایع مربوطه کشورهای توسعه‌یافته سود رسانده است.

این درخواست که کشورهای فقیر استانداردهای محیط زیستی کشورهای غنی را رعایت نمایند، غیر منطقی می‌باشد. به خصوص اگر این تقاضا با کمک‌های فنی یا مالی همراه نباشد. اولویت‌ها متفاوت هستند، برای مثال در بسیاری از کشورهای فقیر آب سالم حیاتی است، در حالی که در کشورهای غنی موجب نگرانی اولیه نمی‌باشد. همچنین در مواردی که نگرانی‌ها مربوط به موضوعات جهانی از قبیل از بین رفتن لایه اوزون و تغییر آب و هوا می‌باشد، کشورهای غنی غالباً خود موجب اکثر خسارت‌های محیط زیستی بوده‌اند (۳۱).

در طول سال‌ها، بحث‌های تجارت و محیط زیست به نحوی گسترده شده که مسائل و نگرانی‌های توسعه‌ای فوق‌الذکر را به وجود آورده‌اند. از طرفی باید اذعان داشت که موضوعات زیست‌محیطی را نمی‌توان به تنهایی به طور مؤثر مورد بحث و بررسی قرار داد. برای مثال اگر بخواهیم این نگرانی کشورهای با استاندارد بالا را که می‌گویند تجارت با کشورهای با استاندارد پایین موجب واردات کالاهای آلوده خواهد شد رفع کنیم، یک راه حل می‌تواند منع تجارت به دلایل محیط زیستی باشد، اما این راه حل موجب فقر در کشورهای صادرکننده و در نتیجه تنش‌های محیط زیستی

جهانی خواهد شد. یک راه حل مفیدتر و طولانی‌مدت، کمک به شرکت‌های کشورهای صادرکننده برای از بین بردن مشکلات و محدودیت‌هایی است که آن‌ها را به استفاده از رفتارها و فناوری‌های غیر استاندارد وادار نموده است و این موضوع ناگزیر مستلزم درک بهتر و بررسی بیشتر موضوعات توسعه‌ای از قبیل فقدان منابع، فقدان فناوری‌های مناسب، فقدان آموزش و فقدان تجربه خواهد بود (۲۹).

۵-۵. رویکردهای مختلف در مورد حراست از محیط

زیست در فرآیند جهانی‌شدن و رفع موانع تجارت: در این قسمت طی دو بند رویکرد موافقت‌نامه‌های بین‌المللی دولتی و سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی و دولت‌ها، در خصوص حفاظت از محیط زیست در توجاه با فرایند جهانی شدن و الزامات رفع موانع تجارت، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۵-۱. رویکرد موافقت‌نامه‌های بین‌المللی: معمولاً دولت‌ها

مسأله حفاظت از محیط زیست را از جمله وظایف دولت، مجلس و مسئولین اجرایی به شمار می‌آورند، در صورتی که حفاظت از محیط زیست از جمله وظایف دولت و مردم، در کنار یکدیگر، به حساب می‌آید. از جمله ذی‌نفعان محیط زیست می‌توان به صنعت، گروه‌های بومی، گروه‌های محیط زیستی و نمایندگان جامعه اشاره کرد که تصمیمات اتخاذشده برای حفاظت از محیط زیست به صورت مشترک در اکثریت کشورها برای این طیف از ذی‌نفعان بسیار حائز اهمیت می‌باشد. در برنامه محیط زیست سازمان ملل، بخش حراست از محیط زیست بین‌المللی وجود دارد. هرچند که حاضرت از محیط زیست تنها وظیفه نهادهای دولتی نمی‌باشد، اما این نهادها در به وجود آوردن و حفظ معیارهای اساسی حفاظت از محیط زیست و واکنش مردم نسبت به آن نقش اساسی دارند. دولت توسط بخش محیط زیست بر حفظ محیط زیست نظارت دارد و از طریق تألیف سیاست، یکپارچگی و مراقبت بر مشکلات زیست‌محیطی، برنامه‌ریزی‌های متناسب با محیط زیست و سامانه‌های تحقیقی محیط زیست عملی می‌گردد. بخش عمده‌ای از منابع طبیعی آسیب‌پذیر بوده و فعالیت‌های بشر روی آن‌ها اثر می‌گذارد، به همین دلیل دولت‌ها به دنبال گسترش تصویب توافق‌نامه‌هایی بین خود هستند تا از

آسیب‌های جدی بر منابع زمین جلوگیری نمایند و فعالیت‌های تأثیرگذار بر روی این منابع را مدیریت کنند. این توافق‌نامه‌ها شامل آلاینده‌های مؤثر بر تغییرات آب و هوایی، اقیانوس‌ها، رودخانه‌ها و آلودگی‌ها می‌باشد. در صورت سرپیچی از توافق‌نامه‌های بین‌المللی محیط زیست، به دلایل حقوقی در اسناد حقوقی متوسل می‌گردند. این توافق‌نامه‌ها سوابق طولانی داشته و برخی از آن‌ها بین چند کشور در اروپا، آفریقا و آمریکا منعقد شده‌اند (۳۲).

بعضی از این توافق‌نامه‌های چندملیتی شناخته‌شده شامل پروتکل کیوتو، مقاله‌نامه وین در مورد حراست از لایه اوزون و اعلامیه ریو درباره محیط زیست و توسعه می‌باشند (۳۳). افزایش آلودگی و به مخاطره‌افتادن محیط زیست و ظهور آشفته‌گی‌های مکرر زیست‌محیطی موجب گردید تا دولت‌ها در پی راهکاری برای حفظ و سلامت محیط زیست باشند. تاکنون ۲۸۰ کنوانسیون و توافق‌نامه بین‌المللی و منطقه‌ای در مورد حفظ محیط زیست و مسائل مربوط به آن بسته شده که از میان آن‌ها تقریباً ۷۰ کنوانسیون و قرارداد، بین‌المللی و بقیه منطقه‌ای است (۳۳). در سال ۱۹۷۲ در سوئد اولین نشست جهانی سازمان ملل متحد در مورد انسان و محیط زیست که «مقاله‌نامه استکهلم» نام گرفت، به منظور حفاظت از محیط زیست برگزار شد که نمونه‌ای از اراده جهانی برای حراست از محیط زیست می‌باشد. در این نشست حق بهره‌برداری انسان از محیط زیست سالم با حقوق بشر، یکسان شناخته شد. در این میان ایران از جمله کشورهایی بود که به برخی از این موافقت‌نامه‌ها و معاهده‌ها پیوست. در ایران سازمان حراست محیط زیست به عنوان مرجع ملی و قانونی، وظیفه اجرای این معاهدات و حفظ و حفاظت از محیط زیست را عهده‌دار می‌باشد. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست به صورت آیین‌نامه اجرایی این سازمان، حفاظت از طبیعت را شامل مواردی از قبیل مقررات مربوط به پارک‌های ملی، آثار طبیعی ملی، پناهگاه حیات وحش و مناطق حفاظت‌شده بر می‌شمارد. به علاوه تمام مواردی که به نحوی در تخریب، آلودگی و نابودی محیط زیست دخیل هستند، شناسایی و بر طبق وظایف و اختیارات سازمان، با آن برخورد می‌شود. نقش

دولت‌ها در این مورد با تصویب و اجرای مقاله‌نامه‌های بین‌المللی زیست محیطی زیر قابل ملاحظه است:

- مقاله‌نامه روتردام PIC، مقاله‌نامه توسعه تجارت جهانی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در مورد مضرات تجارت استفاده از مواد شیمیایی مخاطره‌انگیز مانند سموم شیمیایی دفع آفات نباتی است که مورد توجه مجامع بین‌المللی و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی حفاظت محیط زیست در سراسر جهان قرار گرفت. به همین دلیل در بیست و سومین نشست کنفرانس عمومی سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی در سال ۱۹۸۵ در رم به منظور کاهش خطرات مواد ذکرشده، برقراری کد بین‌المللی نحوه توزیع و مصرف سموم به تصویب رسید (۳۴).

- هدف مقاله‌نامه آلاینده‌های آلی پایدار، از بین‌بردن یا کم کردن آلاینده‌های آلی پایدار و منع تولیدکردن، تجارت از جمله صادر و واردکردن و همچنین فروش آن‌ها، کمک و تشویق کشورها به اقدام بر نگرش ملی و منطقه‌ای برای کم کردن خطرهای مواد نام برده، به کارگیری جایگزین‌های مناسب، تشویق و هدایت کشورها به تشخیص و شناسایی مواد آلاینده پایدار و از بین‌بردن آن‌ها است (۳۵).

- مواد مقاله‌نامه جلوگیری از آلودگی دریایی در سال ۱۹۷۲ در شهر لندن به امضای نمایندگان تعدادی از کشورها رسید و دولت ایران در سال ۱۳۷۵ با تصویب مجلس به آن پیوست. هدف از تصویب این مقاله‌نامه، کنترل و جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از تخلیه و دفع مواد زائد و تشویق و حمایت از انعقاد قراردادهای توافق‌نامه‌های منطقه‌ای مکمل این مقاله‌نامه است (۳۶).

- پروتکل ایمنی زیستی یا کارتاها در سال ۲۰۰۰ در «مونترال» کانادا به تصویب نمایندگان کشورهای عضو رسید. بر اساس موادی از مقاله‌نامه تنوع زیستی، کاربری سالم و بی‌خطر روش‌های فناوری زیستی بیوتکنولوژی به نحوی که این روش‌ها و یا فرآیند آن‌ها تأثیر زیان‌باری بر محیط زیست نداشته باشد، مورد تأکید قرار گرفته و از تعهدات کشورهای عضو شمرده شده است (۳۷).

- مقاله‌نامه تنوع زیستی CBD، قسمتی از رویه نشست سازمان ملل متحد در مورد محیط زیست و گسترش آن به شمار می‌آید. این کنوانسیون در سال ۱۹۹۲ در Rio de Janeiro امضا و در سال ۱۹۹۳ لازم‌الاجرا شد و اکنون دارای ۱۸۴ عضو می‌باشد. این کنوانسیون بر مبنای سه هدف اصلی، حفاظت از تنوع زیستی، بالابردن سطح ظرفیت به کارگیری پایدار آن و شراکت عادلانه در سود حاصل از استفاده منابع و ذخایر ژنتیکی تصویب شد (۳۸). ایران در خرداد ۱۳۷۵ این مقاله‌نامه را به رسمیت شناخت و در زمینه به کارگیری روش‌ها و اقدامات ملی در حوزه حفاظت از تنوع زیستی که از جمله الزامات ناشی از پیوستن به این پیمان است، پیروی نمود.

- مقصود کنوانسیون مقابله با بیابان‌زدایی، کم کردن اثرات ناشی از بی‌آبی و خشکسالی در کشورهایی است که به صورت جدی با خشکسالی و بیابان‌زدایی به ویژه در آفریقا مواجه هستند. به این وسیله اقدامات تأثیرگذار در همه جهات، با کمک و حمایت‌های بین‌المللی و موجبات همکاری در چارچوب یک روند کلی و در جهت دستورالعمل و به منظور کمک به دستاوردهای توسعه پایدار در نواحی آسیب‌دیده و دچار مشکل خشکسالی، صورت می‌گیرد (۳۷).

- مقاله‌نامه حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی در سال ۱۹۷۲ در شهر پاریس به تصویب رسید. عمده‌ترین نکته مورد نظر مقاله‌نامه این است که ویرانی یا انهدام هر قسمت از میراث فرهنگی و طبیعی موجب فقر شدید میراث همه جهان می‌شود و باید به عنوان میراث جهانی بشریت حفظ شود (۳۶).

- مقاله‌نامه منطقه‌ای کویت به جهت همکاری در زمینه حفاظت و گسترش محیط زیست دریایی و منطقه ساحلی خلیج فارس، دریای عمان، و قسمتی از دریای عرب در برابر آلودگی به وجود آمده است. این یک قرارداد منطقه‌ای بین دولت‌های بحرین، ایران، عراق، کویت، عمان، قطر، عربستان و امارات متحده عربی است. این منطقه از مهم‌ترین مناطق استراتژیک جهان به شمار می‌رود و به منظور جلوگیری از آلودگی و حراست از محیط زیست دریایی منطقه مشترک بین

کشورهای مذکور توسط نفت یا مواد سمی و مضر دیگر، آلودگی‌های ناشی از منابع موجود در خشکی و به ویژه فعالیت‌های نفتی و گسترش برنامه‌های کشف و استخراج نفت و عبور نفتکش‌ها برای کشورهای منطقه و جهان بسیار حائز اهمیت است. این توافق، برای همکاری و مشارکت در زمینه کمک و پشتیبانی و گسترش محیط زیست دریایی و منطقه ساحلی خلیج فارس، دریای عمان و قسمتی از دریای عرب در برابر آلودگی شکل گرفت. آلودگی محیط زیست دریایی منطقه مشترک بین کشورهای نام‌برده شده ناشی از نفت یا دیگر مواد مضر یا سمی حاصل از اقدامات انسان در خشکی و دریا، منطقه دریایی را (خلیج فارس و دریای عمان)، از جمله مهم مناطق استراتژیک جهان قرار می‌دهد و حفاظت از این زیست‌محیط دریایی حساس در برابر آلاینده‌های حاصل منابع موجود در خشکی و دریا به ویژه فعالیت‌های نفتی و گسترش برنامه‌های کشف و استخراج نفت و عبور نفتکش‌ها را برای کشورهای منطقه و جهان، واجد اهمیت و حساسیت بسیاری می‌نماید (۳۹).

- با عنایت به اهمیت محیط زیست دریای خزر و شرایط نامطلوب موجود برای آن، کشورهای ساحلی این دریا با مشارکت برنامه محیط زیست سازمان ملل نگرشی را برای به وجود آوردن یک چارچوب مناسب حقوقی - قانونی جهت حفاظت از این دریا در دستور کار قرار دادند. بر اساس مفاد کنوانسیون چارچوب حفاظت از محیط زیست دریای خزر کشورهای ساحلی منطقه‌ای برای حفظ محیط زیست دریای خزر در زمینه جلوگیری، کم کردن و کنترل آلودگی، منع ورود و کنترل و از بین بردن گونه‌های تهاجمی، موارد اضطراری زیست‌محیطی، حفاظت و نگهداری و احیا و استفاده منطقی از منابع زنده دریایی و مدیریت مناطق ساحلی دریای خزر همکاری خواهند کرد (۳۸).

- مقاله‌نامه بازل درباره کنترل انتقالات برون مرزی مواد زائد زبان‌آور و دفع آن‌ها، در شهر «بازل» سوئیس در سال ۱۹۸۹ میلادی به امضای ۳۵ کشور شرکت‌کننده رسید. این مقاله‌نامه به منظور کنترل حمل و نقل برون مرزی پسماندهای خطرناک و دفع اصولی آن‌ها و مقابله با انباشت

غیر قانونی پسماندهای خطرناک توسط برنامه محیط زیست سازمان ملل به تصویب کشورهای مختلف رسید (۳۶).

- با توجه لزوم چاره‌اندیشی و ارائه راهکارهایی برای جلوگیری از تخریب لایه ازن، در سال ۱۹۸۵ به دعوت سازمان ملل متحد نمایندگان ۲۱ کشور جهان و کشورهای عضو جامعه اروپا در وین پایتخت اتریش جمع شدند و مضمون کنوانسیون را که مقاله‌نامه وین برای حفاظت از لایه ازن ۱۹۸۵ نام گرفت، به تصویب رساندند. مواردی چون نظارت بر اجرای تعهدات کشورهای عضو برای حفاظت از لایه ازن، هماهنگی و اتخاذ تدابیر و سیاست‌های مناسب برای کاهش و پخش موادی که بر لایه ازن اثر سوء دارند و معین نمودن چارچوب فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی و مشاهدات هدفمند برای نظارت مداوم وضعیت لایه ازن، من جمله مقاصد این مقاله‌نامه می‌باشد (۳۴).

- مقاله‌نامه تجارت بین‌المللی گونه‌های حیوانات و گیاهان وحشی در تهدید خطر انقراض و از بین رفتن در سال ۱۳۵۲ در واشنگتن آمریکا مورد تصویب قرار گرفت. هدف این معاهده، آن است که تجارت حیوانات وحشی و گونه‌های گیاهی ارزشمند و در خطر انقراض، بقای آن‌ها را مورد تهدید قرار ندهد. این معاهده هم‌اکنون ۱۶۰ کشور را به عنوان عضو رسمی دارد. لازم به ذکر است که هیچ کدام از گونه‌های حفاظت‌شده موضوع این معاهده از زمان به اجرا درآمدن آن بر اثر تجارت از بین نرفته و منقرض و معدوم نشده است و مدت بسیاری است که این معاهده در زمره مهم‌ترین و پردامنه‌ترین عهدنامه‌های بین‌المللی به شمار می‌آید (۳۴).

- مقاله‌نامه رامسر مربوط به تالاب‌های با اهمیت بین‌المللی به ویژه تالاب‌های زیستگاه پرندگان آبی و مقاله‌نامه تالاب‌ها، معروف به مقاله‌نامه رامسر در سال ۱۳۵۰ در شهر رامسر ایران با حضور ۱۸ کشور جهان به تصویب رسید. این عهدنامه نخستین معاهده نوین جهانی بین دولتی در زمینه حفاظت و استفاده منطقی و درست از منابع طبیعی است و هم‌اکنون ۱۳۴ عضو رسمی را در سراسر دنیا دارا است (۳۴).

- معاهده تغییرات آب و هوا با نام رسمی معاهده ساختاری سازمان ملل درباره تغییرات اقلیم، از جمله مسائل حائز اهمیت همایش زمین یا نشست «ریو»، در سال ۱۹۹۲ در زمینه محیط زیست و پیشرفت در نیویورک منعقد شد. بر اساس این معاهده کشورهای عضو دارای مسئولیت‌های مشترک، اما متفاوت می‌باشند. آنچه در این معاهده برای کشورهای توسعه یافته ضروری و دارای اولویت می‌باشد، عبارت است از اینکه سطح انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را در دهه اول قرن ۲۰۰۰ به سطح سال ۱۹۰۰ برگردانده و تثبیت کنند (۳۳).

۵-۵-۲. رویکرد دولت‌ها: دولت‌ها با جهت‌گیری‌های زیر می‌توانند نقشی مؤثر در توسعه پایدار و به خصوص حفظ و مدیریت محیط زیست داشته باشند:

- مشارکت شهروندان در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی: هر فرد لازم است این شرایط و امکان را داشته باشد تا با رعایت قوانین و مقررات کشور خود به صورت فردی یا اجتماعی به صورت یک شکل اجتماعی مانند یک انجمن غیر دولتی در تصمیم‌گیری‌هایی که به صورت مستقیم مربوط به محیط زیست او می‌گردد، همکاری کند (۴۰).

- حق دسترسی به اطلاعات: به موجب این حق، تمامی مؤسسات عمومی وظیفه دارند اطلاعات مربوط به حفاظت از محیط زیست و نگرش تأثیرگذار بر آن را در اختیار شهروندان قرار بدهند. لازم به ذکر است که عمل کردن به تعهدات توسط شهروندان برای رسیدن به حق داشتن محیط زیست سالم اصولاً تنها زمانی به وقوع می‌پیوندد که از اطلاعات کافی برخوردار باشند.

- حق آموزش‌های محیط زیستی: به جهت داشتن این حق، دولت وظیفه دارد تصمیمات و تدابیر لازم را برای به وجود آوردن فرهنگ دوستی با طبیعت، حفاظت از آن و استفاده از تکنولوژی‌های پاک در دستور کار خود قرار دهد. این آموزش و فرهنگ‌سازی باید در تمام جهات و سطوح از جمله آموزش رسمی مدرسه‌ای و دانشگاهی و غیر رسمی (آموزش برای عموم) انجام شود.

- حق دادخواهی زیست محیطی: به این جهت که حق برخورداری از محیط زیست به صورت عینی تحقق پیدا کند،

لازم است از ضمانت اجرای کافی برخوردار باشد و همچنین قابلیت دادخواهی داشته باشد. به عبارت دیگر افراد و سازمان‌های غیر دولتی حق شکایت از موارد نقض این حق به مراجع اداری و به ویژه قضایی را داشته باشند.

- مقابله با یارانه‌های فسادبرانگیز: یارانه‌های فسادبرانگیز سبب تشویق اقداماتی می‌شود که برای اقتصاد و محیط زیست مضر می‌باشند. به عنوان نمونه، پرداخت یارانه به زغال سنگ موجب آسیب به تخصیص درآمد مالیاتی کمیاب به فعالیتی که با قیمت‌های بین‌المللی قابل رقابت نمی‌باشد، می‌شود. همچنین محیط زیست را از راه تشویق استفاده از یکی از آلوده‌ترین منابع انرژی، تخریب می‌کند. یارانه‌ها بنا به دلایل متعدد و با ارزشی مانند ریشه‌کن کردن فقر یا شناسایی شکست‌های بازار، پی‌ریزی شده‌اند. با این همه، آن‌ها معمولاً در دستیابی به این اهداف شکست خورده یا اینکه با هزینه‌های بسیار گزاف به اهداف مورد نظر خواهند رسید. حذف یارانه‌های فسادبرانگیز، با آزاد کردن منابع ملی دولت برای سایر اهداف، همزمان موجب منتفع شدن اقتصاد و محیط زیست نیز خواهد گردید. در گزارشی توسعه جهانی سال ۱۹۹۲ چنین نگرش سیاستی با عنوان سیاست‌های برنده توضیح داده شده است (۲۹).

به عنوان نمونه‌ای از رویکردهای دولتی، در آمریکا، از سال ۱۹۶۹، آژانس حراست از محیط زیست ایالات متحده (EPA) برای حراست از محیط زیست و سلامتی انسان‌ها شروع به کار کرد. کل ایالات آمریکا، بخش‌های حراست از محیط زیست مربوط به خود را دارند؛ آژانس حراست از محیط زیست ایالات متحده، هفت اولویت برای آینده سازمان حراست محیط زیست را پیش‌نویس کرده است که شامل رویکرد در مورد تغییرات اقلیمی، بهبود کیفیت هوا، اطمینان از ایمنی مواد شیمیایی، پاکیزگی جوامع، حراست از آب در آمریکا، گسترش گفتگو در مورد محیط زیست و کار برای عدالت زیست‌محیطی و ساخت دولت قوی و مشارکت‌های قبیله‌ای است (۲۷).

به عنوان نمونه‌ای دیگر، می‌توان به تانزانیا اشاره نمود که از جمله عظیم‌ترین تنوع‌های زیستی را بین کشورهای آفریقایی دارد. حدود ۴۰ درصد از زمین‌های کشور از مناطق

حفاظت‌شده و جزء پارک‌های بین‌المللی به شمار می‌آید. برخی عوامل که موجب تخریب محیط زیست طبیعی شده و نگرانی‌هایی را به دنبال دارد عبارتند از: آسیب به زیست محیط و نابودی زیستگاه جانوران حاصل از افزایش جمعیت، گسترش کشاورزی برای رفع نیاز، آلودگی، نابودی جنگل‌ها و مصرف بیش از اندازه چوب به عنوان سوخت. حفاظت از محیط زیست تانزانیا از زمان تصرف شرق آفریقا به وسیله آلمان آغاز شد (۱۹۱۹-۱۸۸۴)؛ قوانین استعماری برای حفاظت از جنگل‌ها به تصویب رسید که به موجب این قوانین فعالیت سنتی بومی‌ها مانند شکار، جمع‌آوری هیزم و چرای دام‌ها محدود شد (۳۳). در سال ۱۹۴۸، Serengeti به عنوان اولین پارک ملی برای گربه وحشی در شرق آفریقا ساخته شد و در سال ۱۹۸۳ شورای ملی مدیریت محیط زیست ایجاد گردید و رویکرد زیست‌محیطی توسعه یافت و تلاش‌های گسترده‌ای در جهت مدیریت مسائل زیست‌محیطی در سطح ملی صورت گرفت. شورای ملی مدیریت محیط زیست نخستین قوانین ملی مدیریت محیط زیست را در زمان تأسیس خود در سال ۱۹۸۳ تصویب نمود. این شورا در مشورت‌دادن به دولت‌ها و جوامع بین‌المللی در زمینه مسائل زیست‌محیطی نقش به سزایی دارد. اهداف دنباله‌دار این شوراها عبارتند از ارائه مشاوره فنی، هماهنگی اقدامات تکنیکی، توسعه دستورالعمل‌های اجرایی و روند آن‌ها، بازرسی و ارزشیابی فعالیت‌های تأثیرگذار بر محیط زیست، انتشار اطلاعات زیست‌محیطی و کمک به پیشرفت دانش علمی و سیاست‌های ملی محیط زیست. این سیاست‌ها به منظور رسیدن به اهدافی، مانند اطمینان از استفاده مداوم و عادلانه منابع، بدون آسیب‌رساندن به محیط زیست یا به مخاطره‌انداختن سلامت و ایمنی آن، کنترل و جلوگیری از تخریب زمین، آب، گیاهان و هوا، حفاظت و تقویت میراث طبیعی و ساخته بشر شامل تنوع زیستی اکوسیستم‌های منحصر به فرد، بهبود وضعیت مناطق تخریب‌شده و بهره‌بری از آن‌ها، بالابردن سطح آگاهی و درک ارتباط بین محیط زیست و توسعه‌یافتن، بالابردن مشارکت فردی و جامعه و ارتقای همکاری‌های بین‌المللی و توسعه رویکرد زیست

محیطی، از جمله تلاش‌های گسترده انجام شده برای مدیریت مسائل زیست محیطی در سطح ملی است (۳۸).

حفاظت از محیط زیست در چین نیز برای نخستین بار در سال ۱۹۷۲ بر مبنای تشویق کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست انسانی در استکهلم سوئد صورت گرفت. بر این مبنای آن‌ها شروع به ایجاد بنگاه‌های حفاظت از محیط زیست کرده و زباله‌های صنعتی را تحت کنترل درآوردند. چین از جمله نخستین کشورهای در حال توسعه و گسترش برای ایجاد یک تئوری توسعه پایدار بود. در سال ۱۹۸۳ شورای دولتی بیان داشت که حفاظت از محیط زیست باید من‌جمله سیاست‌های ملی اصلی باشد و در سال ۱۹۸۴ بنگاه ملی حفاظت از محیط زیست تشکیل شد. بعد از رخ دادن پدیده سیل در سال ۱۹۹۸ در رودخانه یانگتزا، بنگاه حفاظت از محیط زیست را به روزرسانی کردند. حفاظت از محیط زیست در حال حاضر در سطح تصمیمات وزرا به اجرا گذاشته شده است (۲۷).

شایان ذکر است که آلودگی و از بین رفتن محیط زیست سبب ورود ضرر و زیان اقتصادی به کشور چین گردیده است. چین من‌جمله کشورهای با رویکرد بالا در زمینه افزایش تولید ناخالص داخلی است (۹/۶۴ درصد در سال گذشته). با این حال پیشرفت اقتصادی بالا فشار زیادی بر محیط زیست دارد و تغییرات محیط زیست کشور چین را به یکی از بزرگ‌ترین کشورهای جهان در این خصوص تبدیل کرده است. در سال ۲۰۱۰ چین رتبه ۱۲۱ در شاخص کارکرد زیست‌محیطی را بین ۱۶۳ کشور به خود اختصاص داد. چین برنامه‌هایی را برای بالابردن سطح حمایت از محیط زیست و مقابله با از بین رفتن محیط زیست ایجاد کرده است (۳۱).

از سویی دیگر، برنامه محیط زیست سازمان ملل ۱۷ کشور گوناگون را مورد شناسایی و تشخیص قرار داده است. این لیست شامل ۶ کشور آمریکای لاتین است که عبارتند از: برزیل، کلمبیا، اکوادور، مکزیک، پرو و ونزوئلا. مکزیک و برزیل در میان بقیه، برجسته‌ترین هستند، چراکه آن‌ها منطقه وسیعی از آلودگی و تعداد گونه‌های بسیاری دارند. وضعیت این کشورها نشانگر یک مسأله نگران‌کننده بزرگ برای حفاظت از

محیط زیست است، زیرا دارای ابعاد زیادی جنگل‌زدایی، از بین رفتن فضای زیست‌محیطی، آلودگی و رشد جمعیت می‌باشند (۲۴).

برزیل سطح وسیعی از جنگل‌های استوایی جهان را در خود جای داده است. این کشور، مرکز تنوع زیستی گسترده‌ای می‌باشد. رتبه نخست بین کشورهای مختلف جهان، با داشتن بین ۱۵ تا ۲۰ درصد از ۱/۵ میلیون گونه توصیف‌شده در سطح جهان را برزیل دارا است. بخش محیط زیست وزارت برزیل مسؤول حفاظت از محیط زیست این کشور است. این سازمان نخست به نام دبیر خانه ویژه محیط زیست در سال ۱۹۷۳ به وجود آمد، چند بار تغییر نام داد و در آخر در سال ۱۹۹۹ عنوانش مورد قبول واقع شد. این نهاد و وزارتخانه مربوطه، مسؤولیت پرداختن به مسائل زیر را بر عهده دارد (۳۳): یک سیاست ملی برای محیط زیست و منابع آب؛ سیاست حفظ، حراست و استفاده پایدار از زیست‌محیط، تنوع زیستی و جنگل؛ پیشنهاد تئوری‌ها، عملکردها، ابزار اقتصادی و اجتماعی برای بالابردن سطح کیفیت محیط زیست و مصرف پایدار از منابع طبیعی؛ سیاست‌هایی برای یک دست‌سازی تولید و محیط زیست؛ سیاست‌های زیست‌محیطی و برنامه‌ریزی برای حقوق آمازون؛ منطقه‌بندی ارضی زیست‌محیطی و اقتصادی.

در مکزیک نیز پیشینه سیاست حفاظت از محیط زیست از سال ۱۹۴۰ همگام با تصویب قانون حفاظت از خاک و آب آغاز شد. سه دهه بعد، در آغاز دهه ۱۹۷۰، قانون منع و کنترل آلودگی به وجود آمد. در سال ۱۹۷۲ نخستین پاسخ مستقیم از دولت فدرال برای رسیدگی به اثرات بهداشتی در زمینه مسائل زیست‌محیطی منعکس شد. این سازمان اداری، دبیرخانه‌ای برای پیشبرد وضعیت محیط زیست در وزارت بهداشت و رفاه تأسیس کرد. دبیرخانه محیط زیست و منابع طبیعی، همان وزارت محیط زیست مکزیک است. این وزارتخانه مسؤولیت پرداختن به مسائل زیر را عهده‌دار است: ارتقای سطح حراست، مرمت و حفاظت از اکوسیستم، منابع طبیعی، کالا و خدمات زیست محیطی و تسهیل استفاده از آن‌ها و توسعه پایدار و توسعه و پیاده‌سازی یک سیاست ملی

در منابع طبیعی؛ ارتقای مدیریت زیست‌محیطی در قلمرو ملی، در هماهنگی با تمام سطوح دولت و بخش خصوصی؛ ارزیابی و ارائه تصمیم پیرامون اثرات زیست‌محیطی برای پروژه‌های توسعه و پیشگیری از آسیب زیست‌محیطی؛ پیاده‌سازی سیاست‌های ملی در تغییر آب و هوا و حراست از لایه اوزون؛ کار مستقیم و مطالعات در هواشناسی ملی، سیستم‌های اقلیمی، هیدرولوژیکی و سیستم‌های زمین‌شناختی هیدرولوژیکی و شرکت در مقابله‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به این موضوعات (۳۳).

همچنین در استرالیا، تنظیم و نظارت بر حفاظت از آبراه و حفاظت از محیط زیست، با ساخت نخستین پارک ملی به نام پارک ملی رویال در سال ۱۸۷۹ محقق گردید. این کشور در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، با عملکردهای بزرگ بین‌المللی مانند نشست سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست انسانی در سال ۱۹۷۲، انجمن محیط زیست نهاد همکاری اقتصادی و گسترش در سال ۱۹۷۰ و رویکرد محیط زیست سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۲، اقدام به پیشروی نمود. این رویکردها با بالابردن سطح آگاهی عمومی و پشتیبانی، پی‌ریزی شدند. قوانین زیست‌محیطی دولت، فاقد نظم کافی بود و با کمبودهای بسیاری نیز مواجه بود تا زمانی که شورای محیط زیست استرالیا و شورای وزیران حفاظت از طبیعت در سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ تشکیل شدند و انجمنی را برای هماهنگی سیاست‌های حفاظتی محیط زیست بین دولت‌ها و کشورهای همسایه ایجاد کردند. عمده زمین‌های حفاظت‌شده با دستورالعمل‌های کشوری در ابعاد مختلف، توسط دولت مدیریت می‌شوند و نواحی حفاظت‌شده مانند بیابان، زمین‌های ملی و پارک‌های دریایی، جنگل‌های دولتی و مناطق حفاظتی به وسیله قوانین دولتی کنترل می‌شوند. علاوه بر آن دولت، به تدریج تصویب قوانینی را برای محدودکردن و حفاظت عمومی از هوا، آب و آلودگی صوتی در دستور کار خود قرار داده است. در سطح محلی، هر شهر یا شورای محلی مسئولیت عواملی را که به وسیله دولت یا قوانین ملی تحت پوشش نیستند را بر عهده دارد. این عوامل از جمله منابع بی‌اهمیت یا آلاینده‌های پراکنده مانند آلودگی رسوبات سایت‌های ساخت و ساز را

شامل می‌شود. در زمینه ملی، وزارت محیط زیست مسئولیت برنامه‌های زیست‌محیطی و مسائل راجع به حفاظت از محیط زیست را بر عهده دارد. در زمینه منطقه‌ای نیز، شوراهای منطقه‌ای، قوانین و مسائل زیست محیطی را مدیریت و کنترل می‌کنند (۳۷).

۶. نتیجه‌گیری

اصل توسعه پایدار نقطه تعادل میان بهره‌برداری و حراست از محیط زیست و تأمین منافع نسل‌های آینده بشر قلمداد گردیده و مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته است. یک نظام تجاری باز و چند جانبه به همراه سیاستگذاری‌های صحیح زیست‌محیطی تأثیری مثبت بر محیط زیست دارد که آن را به توسعه‌ای پایدار رهنمون می‌شود. توسعه زمانی پایدار است که مبتنی بر نگرشی باشد که نیازهای جوامع را در زمان حال و آینده در کلیه ابعاد مادی و معنوی به گونه‌ای موزون و هماهنگ تأمین نماید. در جریان جهانی‌شدن چنانچه روند تخریب مصیبت‌زای فعلی در استثمار طبیعت و محیط زیست ادامه یابد، فردایی برای بشریت و ادامه فعالیت‌های تجاری‌اش متصور نخواهد بود، لذا برای ادامه حیات، ضرورت توجه به قوانین و مقررات تجاری در خصوص حراست از محیط زیست در راستای تحقق توسعه پایدار شدیداً احساس می‌شود. جهانی‌شدن و حقوق تجارت بین‌المللی و حقوق محیط زیست ناگزیر به طور متقابل بر هم تأثیر دارند. قراردادهای چندجانبه محیط زیستی راه حل محکمی برای تعارض‌های بالقوه تجارت و محیط زیست به شمار می‌روند. همچنین پیوستگی حقوقی و سیاستگذاری بین مجموعه مقررات مندرج در قراردادهای چندجانبه محیط زیستی و قراردادهای تجارت و سرمایه‌گذاری از اهمیت بسزایی برخوردار است. از حدود ۲۰۰ قرارداد چندجانبه زیست محیطی موجود، حدود ۲۰ قرارداد برای تسهیل تأمین مقاصد خود مقررات تجاری را در متن توافق گنجانده‌اند و مقررات مربوطه تجاری این قراردادها بخش لاینفک موضوعات مختلفی که مذاکره‌کنندگان در بررسی موضوعات محیط زیستی جهانی آن‌ها را بررسی کرده‌اند، تلقی می‌شود. یکی از موارد استفاده عمده چنین توافقاتی، کنترل

تجارت کالاهایی است که ممکن است به طور مستقیم موجب خسارت محیط زیستی مورد نظر در قرارداد مربوط گردند. در این زمینه، مقاوله‌نامه ساینس که تجارت گونه‌های جانداران در حال انقراض را کنترل می‌نماید و مقاوله‌نامه بازل که تجارت زباله‌های خطرناک را کنترل می‌نماید، به عنوان نمونه‌های برجسته قابل ذکر می‌باشند.

در مجموع می‌توان اذعان نمود، موافقت‌نامه‌های تجاری می‌توانند با ایجاد هماهنگی و پیش‌بینی‌های لازم، استانداردهای زیست‌محیطی را ارتقا بخشند و به طور ویژه رویکردها و سیاست‌ها را به سوی یارانه‌های زیست‌محیطی و معیارهای تجاری و مالی ناظر بر محافظت از محیط زیست سوق دهند. البته به رغم این که سیستم تجارت چندجانبه استفاده از استانداردهای بین‌المللی را تشویق می‌کند و سطوح بالاتری از حفظ محیط زیست را امکان‌پذیر می‌سازد، لیکن این خطر نیز وجود دارد که آزادسازی و رقابت بیشتر در حوزه تجارت، استانداردهای زیست‌محیطی را پایین می‌آورد؛ هرچند در حال حاضر نشانه‌ای به چشم نمی‌خورد که این امر واقع شده باشد.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این پژوهش مساعدت و همکاری نموده‌اند، تقدیر و تشکر می‌شود.

۸. سهم نویسندگان

در این مقاله، مونا سمندی جانیان و منصور عطاشنه مسئولیت جمع‌آوری داده‌ها و نگارش را بر عهده داشته‌اند. محمد صادقی، در انجام تحقیق، نظارت و همکاری داشته است.

۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

References

1. Rawls J. Justice as Fairness. Translated by Sabeti E. Tehran: Phoenix Publications; 2009. [Persian]
2. Ziaee Y. The place of environmental obligations in international investment law. *Public Law Research*. 2014; 15(42): 191-224.
3. Dabiri F, Khalatbari Y, Zarei S. Achieving sustainable development from the perspective of international environmental law. *Man and Environment*. 2019; 16(1): 63-73.
4. Schopenhauer A. On Human Nature. Translated by Valiyari R. Tehran: Markaz Publishing; 2016. p.29-31. [Persian]
5. Hayek F. The Road to Serfdom. Translated by Tafazoli F. Tehran: Contemporary View Publishing; 2013. p.110-111. [Persian]
6. Lee E. The Social Impact of Globalization in the Developing Countries. *International Labour Review*. 2006; 145(3): 167-184.
7. Mubiru E. The effect of globalization on trade: A special focus on rural farmers in Uganda. *World Vision International*. 2003; 9(1): 1-47.
8. Torabi T. Analysis of the role of globalization in attracting foreign capital and economic growth. *Economic Research Journal*. 2010; 2(10): 217-240. [Persian]
9. Kazeruni A. The role of foreign direct investment in the globalization of the economy. *Journal of Political-Economic Information*. 2003; 195(1): 31-49. [Persian]
10. Walter A. Globalization and policy convergence: The case of direct investment rules. *International Journal of Political Economy*. 2007; 1(1): 3-29.
11. Ghaninejad M. Challenges of foreign investment in Iran. Strategic Research Center of the Expediency Discernment Council, Vice President for Foreign Policy Research. Tehran: Mizan; 2001. p.1-3. [Persian]
12. Mandegar M. An Introduction to the Legal System Governing Foreign Investment in Iran. *Bi-Quarterly Journal of Humanities*. 2005; 7(1): 61-83. [Persian]
13. Humanicki M, Kelm R. Foreign Direct Investment and Foreign Portfolio Investment in the contemporary globalized world: should they be still treated separately. *NBP Working Paper*. 2013; 167(1): 1-36.
14. Gómez-Mera L, Kenyon T, Margalit Y, Reis G, Varela G. New Voices in Investment: A Survey of Investors from Emerging Countries. Washington: World Bank Group; 2014. p.17-18.
15. Peterson E. International Human Rights in Bilateral Investment Treaties and Investment Treaty Arbitration. Bern: Swiss Federal Department of Foreign Affairs; 2005. p.5-6.
16. Marcoux J. International Investment Law and Globalization: Foreign Investment, Responsibilities and Intergovernmental Organizations. Hague: Routledge; 2020. p.20-27.
17. Yoshida O. The International Legal Régime for the Protection of the Stratospheric Ozone. London: Brill; 2019. p.524-525.
18. Salacuse J. The Law of Investment Treaties. Oxford: Oxford University Press; 2015. p.1-25.
19. Taleghani H. Foreign Direct Investment Boom, Abstract of the 2004 Foreign Investment Report (UNCTAD). *Political Economy Quarterly*. 2011; 6(1): 23-37. [Persian]
20. Alidoosti N. Legal-Security Aspects of Foreign Investment in Iran. Tehran: Publication of the Research Institute of Leadership Studies; 2005 [Persian]
21. Sauvank K. The Rise of Transnational Corporations from Emerging Markets. London: Elgar; 2009. p.3-7.
22. Brabandere E, Gazzini T, Kent A. Public Participation and Foreign Investment Law. London: Brill; 2021. p.28-29.
23. Ebrahimi M. Foreign Investment in the Framework of Contracts for Construction, Exploitation and Transfer with a Look at the Law on Encouragement and Support of Foreign Investment, approved in 2002. *Legal Research*. 2006; 5(9): 229-257.
24. Bulter N. The future of International investment regulation: towards a world investment organisation?. *Nether Lands Law Review*. 2017; 64(1): 43-72.
25. Oskooi M. Effects of Commercial Liberalization on Greenhouse Gas Emissions (Carbon Dioxide) in the Kuznets Environmental Curve. *Journal of Economic Research*. 2008; 82(43): 1-21. [Persian]
26. Lashkarzadeh M. The effect of foreign direct investment on environmental quality. *Quarterly Journal of Economic Modeling*. 2009; 5(1): 127-142. [Persian]
27. Mohammadi H. The Impact of Trade, Foreign Investment and Human Development on Environmental Performance Index. *Quarterly Journal of Applied and Macro Policies*. 2013; 3(1): 55-75. [Persian]
28. Alam S. Sustainable Development and Free Trade: Institutional Approaches. Hague: Routledge; 2007. p.166-170.

29. Habibi M. International Trade Law and Environment. Tehran: Andisheh Publications; 2009. p.13, 15, 17, 420-421. [Persian]
30. Nanteuil A. International Investment Law. London: Edward Elgar; 2020. p.1-7.
31. Elliott L, Schaedla W. Handbook of Transnational Environmental Crime. London: Edward Elgar; 2016. p.3-9.
32. Baral H, Holmgren P. A framework for measuring sustainability outcomes for landscape investments. London: CIFOR; 2015. p.22-26.
33. Hojati A. The place of the environment in the rules of international trade. Shiraz: Shiraz University Press; 2016. p.65, 68, 74. [Persian]
34. Langlet D. Prior Informed Consent and Hazardous Trade. New York: Wolters Kluwer; 2009. p.1-3.
35. Kohler P. Science Advice and Global Environmental Governance. New York: Anthem Press; 2020. p.8-10.
36. Faraji T. Review of the Convention on the Prevention of Marine Pollution from the Disposal of Waste and Other Materials. MA Dissertation. Tehran: Faculty of Engineering, Islamic Azad University, North Tehran Branch; 2000. p.139. [Persian]
37. Chaurasia A. GMOs: Implications for Biodiversity Conservation and Ecological Processes. London: Springer; 2020. p.591-592.
38. Eritja M. Biological Diversity and International Law. London: Springer; 2021. p.68-75.
39. Attard D, Fitzmaurice M, Norman A, Gutiérrez M. The IMLI Manual on International Maritime Law. Oxford: Oxford University Press; 2014. p.551-558.
40. Jahromi G. Human Rights, Environment and Sustainable Development. *Journal of Legal Research*. 2009; 50(1): 9-24. [Persian]